

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۲۴

جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق^۱

ظاهره سادات طباطبائی امین^۲

محمدعلی احمدیان^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۱/۸

چکیده

مطالعه جغرافیای قصص قرآنی و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق در این زمینه، از ابهامات تاریخی و تفسیری زیادی پرده برمی‌دارد و می‌تواند سنگ‌بنایی برای تفاسیری با صبغه جغرافیایی باشد. داستان حضرت موسی (ع) که مفصل‌ترین قصه

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است. استادان راهنمای رساله: دکتر کاظم قاضی‌زاده و دکتر محمد علی احمدیان. استادان مشاور رساله: حجة الاسلام سید محمد علی ایازی و دکتر محمد جواد شمس.

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
tabatabaei.amin@gmail.com

۳. دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
ahmadian@um.ac.ir

مطرح شده در قرآن است، در عهد عتیق نیز با تفصیل تاریخی، و شرح و بسط اماکن جغرافیایی بیان شده است. یکی از فرازهای این داستان، عبور از دریا و غرق دشمنان به هنگام تعقیب مؤمنان می‌باشد. جهت کشف ویژگی‌های مکانی این دریا، به مطالعه تفاسیر قرآن و عهد عتیق و نیز منابع جغرافیایی، نقشه‌ها، اطلس‌ها و تصاویر ماهواره‌ای پرداخته‌ایم؛ و از میان نظریه‌های مختلف درباره کجایی دریای عبور قوم حضرت موسی (ع) و غرق فرعون، با توجه به قوی‌تر بودن ادله و شواهد، نظریه‌ی خلیج عقبه (شاخابه‌ی شمال شرقی دریای سرخ) برگزیده شد. در این راستا ضمن ارائه ادله تفسیری و علمی و شواهد جغرافیایی و باستان‌شناختی جهت تقویت نظریه‌ی غرق فرعون در خلیج عقبه؛ ادله مفسران بر نظریه رود نیل مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این تحقیق تا جایی که ممکن بوده به نقشه‌های جغرافیایی و تصاویر ماهواره‌ای نیز استناد شده است.

واژه‌های کلیدی: حضرت موسی (ع)، خلیج عقبه، دریای سرخ (بحر احمر، یا قلزم)، رود نیل، قرآن، عهد عتیق.

مقدمه

درباره محل عبور قوم حضرت موسی (ع) از دریا، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. دو نظریه مشهورتر و کلی‌تر، تردید بین رود نیل و دریای سرخ است؛ این مقاله عهده‌دار مسئله کشف کجایی عبورگاه و موقعیت جغرافیائی آن است که در دو دیدگاه کلی (دریای سرخ و رود نیل)، و چند دیدگاه متفرع بر دریای سرخ (بحر سوف و چشمه‌های موسی در شمال خلیج سوئز، خلیج عقبه و دریاچه‌ی منزله در جنوب دریای مدیترانه) ارائه گردیده، پس از تحلیل و بررسی ادله‌ی هر یک از دیدگاه‌ها؛ نظر نهایی یافته از تحقیق در پایان مقاله خلاصه می‌شود.

۱. مسئله کجایی عبورگاه قوم حضرت موسی (ع)

درباره اینکه محل عبور بنی اسرائیل و غرق فرعون کجا بوده، دیدگاه‌های متعددی طرح گردیده است: از جمله، دریای سرخ (بحر قلزم)، انتهای شمالی خلیج سویس، خلیج عقبه، بحر سوف و نیزارهای اطراف دریای سرخ، محل برخورد خلیج سویس با دریاچه‌ها، یکی از دریاچه‌های تلخ و شور، دریاچه منزله، چشمه‌های (عیون) موسی، رود نیل یا یکی از شاخه‌های دلتای نیل، و غیره.

دو نظریه رود نیل و دریای سرخ از بقیه کلی تر بوده، استدلال بر هر یک از این دو، کاملاً با استدلال بر دیگری متباین است. اما بحر سوف و عیون موسی و دریاچه تلخ، همگی اطراف دریای سرخند، خلیج عقبه شاخه شمال شرقی دریای سرخ و خلیج سوئر شاخه شمال غربی آن است. بنابراین هر یک از این‌ها با نظریه دریای سرخ تباین ندارد، بلکه موقعیت دقیق عبور در دریای سرخ را مشخص می‌سازند. از این رو بحث در دو نظریه اصلی (نظریه دریای سرخ و نظریه رود نیل) مطرح می‌شود. نظریه دریای سرخ، خود به چند نظریه فرعی تقسیم می‌گردد.

مفسران در این زمینه سه دسته‌اند. دسته اول رود نیل را و دسته دوم دریای سرخ را عبورگاه بنی اسرائیل می‌دانند. برخی با ذکر ادله و برخی بدون ذکر دلیل، نظر ترجیحی خود را بیان کرده‌اند. دسته سوم نیز بدون ترجیح یک قول مشخص، هر دو قول را نقل کرده و مخاطب خود را در تردید باقی گذارده‌اند. تفسیر صفی (صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۲۶۶) و تفسیر شریف لاهیجی (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۷۴) بدون ذکر دلیل، و تفسیر نمونه با ذکر ادله علمی، نظریه رود نیل را پذیرفته و نظریه دریای سرخ را رد کرده است. حجت التفسیر و بلاغ الاکسیر دریای سرخ را با ذکر ادله منطقی ترجیح داده است. (بلاغی، ۱۳۸۶: ق: ۳۳۵-۳۴۳) تفاسیر مجمع البیان (نک: طبرسی ۱۳۷۲ ش: ج ۷، ۳۰۱) و زبده التفسیر (نک: کاشانی ۱۴۲۳: ج ۵، ۲۷) نیز با ذکر هر دو قول و بدون طرح مباحث استدلالی یا جغرافیایی، از تردید حکایت دارند.

۱-۱. نظریه دریای سرخ و ادله آن

در قرآن مجید بارها این مطلب تکرار شده است که موسی (ع) بنی اسرائیل را به فرمان خدا از "بحر" عبور داد. (ر.ک: یونس: ۹۰، طه: ۷۷، شعراء: ۶۳، دخان: ۲۴) و در چند مورد تعبیر به "یم" شده است. (ر.ک: طه: ۷۸، قصص: ۴۰، ذاریات: ۴۰) اکنون سخن در این است که منظور از "بحر" و "یم" در این آیات چیست؟ آیا اشاره به رود پهناور و عظیم نیل است که تمام آبادی سرزمین مصر از آن سرچشمه گرفته، یا اشاره به دریای احمر (و به تعبیر دیگر بحر قلزم) است. برخی محققان نظریه دریای سرخ را پذیرفته‌اند. در اینجا ضرورت دارد ادله علمی این نظریه طرح و مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۱. دلیل اول؛ ظهور واژه بحر

از نظر لغت واژه بحر در معنای دریا ظهور دارد. ابن منظور درباره کاربرد بحر می‌گوید: «قد غلب علی المِلْح حتی قَلَّ فی العَدْبِ...». (ابن منظور، بی تا: ج ۴، ۴۱) هر چند برخی لغویان آن را به هر آب عظیمی اطلاق می‌کنند. لذا استعمال بحر در رود، نیاز به قرینه دارد. از آنجا که نیل، رود است و قلزم دریاست؛ بنابراین در آیاتی که به عبور بنی اسرائیل و غرق فرعون اشاره دارد، نظریه دریای سرخ ترجیح دارد.

۱-۱-۲. دلیل دوم؛ اقامت بر حاشیه نیل و بی‌معنا بودن تعقیب

از آنجا که مردم مصر بر ساحل نیل زندگی می‌کرده‌اند، فاصله‌ای با آن نداشته‌اند تا تعقیب فرعونیان مفهوم پیدا کند. به ویژه که از عبارات «فَأَسْرِبْ به عبادِ لَيْلًا» (دخان: ۲۳) و «مُشْرِقِينَ» (شعراء: ۶۰)، برخی مفسران بدین نتیجه رسیده‌اند که بنی اسرائیل حداقل یک شب راه رفته‌اند و پس از آن هنگام بامداد، فرعونیان کنار دریا به آن‌ها رسیده‌اند. اگرچه احتمال می‌رود بیش از یک شبانه روز در راه بوده باشند.^۱

۱. به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۱-۱-۳. دلیل سوم؛ سکونت مصریان بر حاشیه شرقی رود نیل

حقیقت صعب الوصولی که می‌تواند ما را در ترجیح نظریه نیل یا بحر احمر مدد رساند، این است که تمدن مصریان و محل زندگی بنی اسرائیل و فرعونیان، بر حاشیه شرقی نیل مستقر بوده یا حاشیه غربی آن؟

اگر معلوم شود که این تمدن در غرب نیل بوده، هر دو احتمال برجای خود باقی خواهد بود (نیل یا دریای سرخ). اما اگر ثابت شود که محل زندگی بنی اسرائیل و سکونت فرعونیان و تمدن اصلی آنان و به عبارت بهتر مصر کهن (۳۰۰۰ سال پیش) بر حاشیه شرقی نیل بنا شده بود، تنها یک احتمال باقی می‌ماند و آن دریای سرخ است.

حرکت از شرق نیل به سمت ارض مقدس (فلسطین)، صرفاً مستلزم عبور از دریای سرخ است نه نیل (معرفت ۱۳۷۳: ۱۱۳-۱۱۴)؛ اما از کجا بدانیم موسی (ع) در ساحل سمت راست نیل زندگی می‌کرده، نه در ساحل سمت چپ؟ اگر ثابت کنیم حضرت موسی (ع) در ساحل سمت راست نیل زندگی می‌کرده، نظریه دریای سرخ تقویت و بلکه اثبات می‌گردد.

شواهد و قرائینی در دست است که سکونت مصریان زمان حضرت موسی (اعم از قبطیان و سبطیان)، بر حاشیه شرقی رود نیل، را تقویت می‌کند:

۱-۱-۳-۱. قرینه نخست: وجود مقابر در حاشیه غربی نیل

وجود اهرام که از کهن‌ترین آثار باستانی مصر است، برخی محققان را به این پندار خطا واداشته که محل اقامت مصریان در حوالی اهرام (یعنی غرب نیل) بوده است (نک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۸) اما پژوهش‌ها حاکی از آن است که مقبره‌های مصریان در غرب نیل بوده (نک: عرفات، بی‌تا: ۱۶۴) و اهرام قبور فراعنه مصر بوده است (بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۳۳۶، ۳۹).^۱

۱. به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

۱-۱-۳-۲. قرینه دوم: فزونی قدمت تمدن در حاشیه شرقی نیل

در مطالعه تاریخ تمدن مصر، به نام شهرهای باستانی آن برمی‌خوریم که برخی منابع علمی یا تفسیری قدمت این شهرها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها را تبیین نموده‌اند. برخی از این شهرها در حاشیه شرقی و برخی بر حاشیه غربی نیل بوده‌اند. بعضی آثار باستانی و شهرهای کهن حاشیه‌ی غربی عبارتند از: اهرام سه گانه، شهر جیزه، درادفو (بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۳۴۰). و بعضی شهرهای کهن حاشیه‌ی شرقی عبارتند از: جوشن، قاهره، قریه مطریه، شهر اقصیر، کرنک، و فیوم. به ترجمه شهرهای مهم‌تر پرداخته می‌شود.

جوشن شهر یا ولایت خرم و بارآوری است که در شمال شرقی زمین مصر بین دریای قلزم و رود نیل واقع است. یوسف این شهر را به پدر و برادران خود داد که تا مدت دویت سال خود و ذریه‌اش در آن زیست کردند. (نک: هاکس، ۱۳۷۷ش؛ سفر تکوین، باب ۴۶، ۲۸-۳۰)

جوشن در متون انگلیسی «کوشن» و در متون عربی «جاسان» گفته شده است. (نک: احمد عبدالحمید یوسف، ۱۴۲۰ق: ۱۸) جواد علی در تبیین نسب عرب‌ها، از قومی به نام "الکوشیین" یاد می‌کند که بنا بر قولی، قبایل عربی بوده‌اند که از جزیره‌العرب به سواحل آفریقایی مهاجرت کرده، از دیرباز آنجا را وطن و مقر حکومت‌های خود قرار داده‌اند. (نک: جواد علی، ۱۹۷۶: ۴۵۹-۴۶۱)

قاهره^۱ که عظیم‌ترین شهر قاره‌ی افریقا، واقع بر ساحل شرقی نیل است (نک: مصطفوی، ۱۳۸۰ش: ج ۱۱، ۱۲۰)؛ در شرق مصر قدیم واقع شده و مصر قدیم در شرق نیل و نیل در شرق جیزه و جیزه به تقریب در شرق اهرام واقع است. (نک: بلاغی، ۱۲۸۶ق: ۳۳۵-۳۴۳)

فیوم (در زبان عبری فیثوم) در شرق مصر بوده است. (نک: بلاغی، ۱۲۸۶ق: ۳۳۵-۳۴۳) چنانکه ملاحظه می‌شود شهرهای شرق نیل کهن‌تر از شهرهای غرب آن است. در نقشه‌ها و منابع جغرافیایی کهن، شهر منف یا منفیس بر حاشیه غربی نیل و شهر جوشن و رع‌مسیس که قدمتشان بیشتر است، در حاشیه شرقی نیل دیده می‌شوند. می‌توان احتمال

قوی داد که محل زندگی مصریان زمان حضرت موسی (ع) در شرق نیل بوده است. به علاوه اینکه بنی اسرائیل از زمان حضرت یوسف (ع) به علت قحطی کنعان به کشور مصر مهاجرت نموده و در شهر باستانی جوشن یا جاسان (شمال شرقی دلتای نیل) ساکن شدند. (پیدایش، باب ۴۷، ۲۷)

۱-۱-۴. دلیل چهارم؛ سازگاری آیات با سکون دریا

تأمل در ویژگی‌های جغرافیایی دریاها و رودها، و تفاوت آن‌ها با یکدیگر، از حقایق پُرده برمی‌دارد. برخی محققان می‌گویند: «از آنجا که رودها جریان دارند (و به دریاها می‌ریزند)، اما دریاها ساکنند و در جای خود حرکت موجی دارند؛ شکافته شدن آب و تقسیم شدنش به دو موج عظیم کوه مانند؛ چنانکه در قرآن توصیف شده: «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ» (شعراء: ۶۳)؛ با آب‌های ساکن سازگارتر است تا رودهای جاری. بنابراین نظریه دریای سرخ از نظریه رود نیل منطقی‌تر است.

۱-۱-۵. دلیل پنجم؛ نمک کشف شده بر جسد مومیایی فرعون در تحقیقات

هنگامی که فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۱م زمام امور فرانسه را بر عهده گرفت، از مصر تقاضا شد تا جسد مومیایی شده فرعون برای برخی آزمایش‌ها و تحقیقات از مصر به فرانسه منتقل شود. لذا جسد فرعون به مکانی با شرایط خاص در مرکز آثار فرانسه انتقال داده شد تا دانشمندان باستانشناس و جراحان و کالبد شکافان فرانسه، (به ریاست پروفیسور موریس بوکای) آزمایشات خود را بر روی این جسد و کشف اسرار متعلق به آن انجام دهند. بقایای نمکی که پس از ساعت‌ها تحقیق بر جسد فرعون کشف شد دال بر این بود که او در دریا غرق شده و مرده است و پس از خارج کردن جسد از دریا برای حفظ جسد، آن را مومیایی کرده‌اند. (نک: محیایی درگهانی، ۲۰۰۹م)

ناگفته نماند که کشف نمک بر جسد مومیایی فرعون، دلیل مهمی بر ردّ نظریه‌ی رود نیل است. حال برخی پژوهشگران محل دقیق عبور از دریای سرخ را نیز مورد مطالعه قرار

داده، چهار نظریه فرعی از این پژوهش‌ها در این نوشتار سامان یافته که تحت عنوان نظریه دوم تا پنجم بررسی شده است: نظریه نی‌زارهای دریای سوف در خلیج سوئز، نظریه خلیج عقبه، نظریه چشمه‌های (عیون) موسی، نظریه دریاچه منزله.^۱

۱-۲. نظریه دریای سوف میان خلیج سوئز و دریای مدیترانه

بعضی از محققان برآنند که این گذرگاه، یکی از دریاچه‌های واقع در مرز مصر و صحرای سینا است، یعنی (در شمال خلیج سوئز) بین سوئز و مدیترانه، که هنوز هم نی‌های بسیاری در آن می‌روید و به آن «یم سوف» (دریای نیزار) گفته می‌شود. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰ش: ۲۲۳) گاهی آن را به دریای «إساف» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۸۷، ۱۱۲)، «ساف» یا «سوف» (مهران، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۲۴۳) تعبیر کرده‌اند. سوف؛ به معنی نیزار که در دریاچه منزله فراوان بوده است، در اصل سیوف بوده که جهت تشبیه نی‌ها به سیف و شمشیر چنین نامگذاری شده است. (مهران، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۲۴۲)

عهد عتیق عبورگاه آنان را بحر سوف دانسته و محل شکافته شدن دریا را نزد «فم الحیروث» می‌داند که در میان مجدل و دریای سرخ و مقابل «بعل صفوان» است. (خروج، باب ۱۴، ۹) در قاموس کتاب مقدس آمده که دریای قلزم بوده است. (هاکس، ۱۳۷۷ش: ۴۹۶) برخی مفسران برآنند که سوف، نام قدیمی دریای سرخ است. (نک: ابن‌عاشور، ۱۳۸۴ق: ج ۱۹، ۱۴۷)

طبق نقشه‌ی زمین‌های مقدس ملحق به کتاب‌های عهدین، فم الحیروث، تنگه‌ای است نزدیک به انتهای خلیج سوئز. بعید نیست جبل حوریث در دعای سمات نیز اشاره به فم الحیروث باشد. (معرفت، ۱۴۲۳ش: ۶۰)

در دعای سمات نیز به دریای سوف تصریح کرده است: «... وَ يَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَ فِي الْمُنْبَجَسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَ جَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۹؛ ابن‌طاووس، ۱۳۳۰ق: ۵۳۳؛ کفعمی، بی‌تا: ۹۱)

۱. به پیوست شماره ۳ مراجعه کنید.

یومی مهران می گوید: «برخی به روایت ضعیفی از ابن عباس استناد کرده‌اند که یوشع بن نون با مرکب خود بر آن دریا زد، از آن گذر کرد و بازگشت». وی در نقد این روایت می گوید: «پیداست که یوشع نمی‌تواند با چهارپای خود از دریای سرخ بگذرد، پس احتمالاً منظور این روایت از دریا، آبگیر و دریاچه‌ای بوده که بسا دریاچه منزله باشد». (مهران، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۲۴۳)

به نظر می‌رسد که اگر عبور و غرق به یک نیزار محدود شود، حالت اعجازی نخواهد داشت. علاوه بر این طبق تحقیقات میدانی و باستان‌شناختی صورت گرفته، نیزار در خلیج عقبه یافت شده که اینک بررسی می‌گردد.

۱-۳. نظریه خلیج عقبه

تا پیش از کشف کتیبه‌ی ستون یادگار موسی و مطالعات میدانی محققان و باستان‌شناسان در چند دهه‌ی اخیر، نظریه‌ی خلیج سوئز و اطراف آن قوی‌ترین احتمال برای تعیین محل عبور قوم موسی و غرق فرعون بود. اما پس از این تحقیقات، نظریه‌ی خلیج عقبه تأیید و تقویت شد. متون قدیمی عبری کتاب مقدس دریای عبور را «یم سوف» نامیده، اما در ترجمه‌های متأخرتر، تعبیر دریای سرخ به چشم می‌خورد. (Michel, V.17, P.159)

هومفریس کولین در بخشی از کتاب معجزات خروج، سؤالات و فرضیاتی در زمینه‌ی کجایی عبورگاه قوم حضرت موسی (ع)، طرح نموده تا رابطه‌ی بحر سوف با دریای سرخ و تعارض این دو به لحاظ جغرافیای طبیعی را حل کند. سؤال این است که دریای نیزار کجا واقع شده است؟ طبق فرضیه‌ی، همان دریای سرخ است^۱؛ و طبق فرضیه دیگر دریای نیزار^۲ است که غیر از دریای سرخ بوده، یک تشابه اسمی باعث ترجمه‌ی غلط کتاب مقدس به دریای سرخ شده است.

اگر فرضیه‌ی دریای سرخ درست باشد، این تعارض پیش می‌آید که نی‌ها فقط در آب‌های شیرین می‌رویند؛ و دریای سرخ از شورترین دریاهاست. نیز این سؤال مطرح است

-
1. Red Sea
 2. Reed Sea

که چرا کتاب مقدس هفتادگانی عبری (اسفار اصلی)، عبورگاه را «یم سوف»^۱ یعنی آب نیزار معرفی کرده است؟ آیا چنانکه برخی محققان گفته‌اند ترجمه‌ی یم سوف از عبری، به دریای سرخ خطاست؟

وی برای حل این معما فرضیه‌هایی از مفسران عهد عتیق نقل می‌کند. از جمله اینکه یم سوف یک اصطلاح چند معنایی است که بر هر دریاچه یا دریا در اطراف سینا اطلاق می‌شود. دیگر اینکه یم سوف به معنای دورترین دریاست نه نیزار؛ و این تعارض ناشی از تشابه (Suph) با (Soph) می‌باشد. و بالاخره در پاسخ، نظر برگزیده‌ی خود را چنین تبیین می‌کند:

«حفری‌ها قسمت‌های مختلفی از شهر آیلا را آشکار کرده است که از جمله آن‌ها یک کلیسای مسیحی متعلق به قرن چهارم میلادی است که یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای جهان است. همچنین یک رودخانه فصلی وجود دارد که به آیلا می‌ریزد و در آن زمان خشک بود. این رودخانه فصلی، از آرابا سرچشمه می‌گرفت و در آیلا جاری می‌شد و در نهایت به خلیج عقبه می‌ریخت. آنجا نیزار دیده می‌شود. دسته‌های انبوه از نی‌های بلندی که بین ۱/۵ تا ۲ متر ارتفاع داشتند و از کناره وادی شروع شده تا قسمت‌های باستانی آیلا ادامه داشتند. آثار بر جای مانده از شهر باستانی آیلا تقریباً در فاصله ۲۰۰ متری شمال مرز کنونی خلیج عقبه قرار دارد. این امر نیز مسلم است که نیزارهای وسیعی در سواحل شمالی خلیج عقبه وجود داشته و محل این نیزارها در زمان موسی احتمالاً در کنار دریا بوده و تمام نیزارهای این منطقه زیر ساختمان‌ها دفن شده بودند. اما چرا گیاه نی که طبیعتاً در آب شیرین می‌روید باید در آب شور خلیج عقبه سبز شود؟ آیا جغرافیای طبیعی خلیج عقبه خصوصیت خاصی دارد؟

طبق نظر محققان در دوران کهن، آب‌های ساحل ورودی خلیج عقبه حتی از آب چاه نیز شیرین‌تر بوده است. به همین علت است که ورودی خلیج عقبه جغرافیای فیزیکی بسیار عجیبی دارد. در اینجا ساحل، مرزی است بین آب شور خلیج در جنوب و آب شیرینی که از شمال به سمت ساحل می‌آید. علاوه به راین در محل کنونی ایلات در اسرائیل قبلاً

مرداب بزرگی بوده است. بنابراین نه تنها آب شیرین به منطقه آرابه و از آنجا به ساحل می آمده است، بلکه در مجاورت ساحل در یک گودی بزرگ مردابی از خاک رس، پر از آب شیرین قرار داشته و این امر بهترین شرایط را برای رشد نی فراهم می کرده است. می توان نتیجه گرفت که در زمان موسی که آب خلیج عقبه در ساحل بالاتر از میزان کنونی آن بود، خلیج عقبه در نهایت به مردابی پر از نیزار می رسیده است. بنابراین به علت جغرافیای فیزیکی غیر معمول این منطقه، در انتهای خلیج، آب شیرین و مرداب وجود داشته است.

شواهد زمین شناسی، اقیانوس نگاری و باستان شناسی نشان می دهد که خلیج سوئز از سمت شمال به نسبت امروز گسترده تر بوده است و قسمت جنوبی دریاچه تلخ وسعت بیشتری داشته است تا جایی که این دو در هزاره دوم (ق.م) به هم می رسیدند. ممکن است در پس نام عبری این دریاچه که دریای سرخ^۱ است، اشاره به همین نقطه اتصال باشد. (Humphreys, 2004: PP. 90-95)

ناگفته نماند که مفسران دیگری از عهد عتیق نیز به خطای ترجمه یم سوف به دریای سرخ اشاره کرده و ترجمه درست آن را دریای نیزار می دانند. (Ilana, 2000: PP. 26-31) تیم تحقیقاتی دیگری به سرکردگی ران وایت پس از ۳۰۰۰ پرواز که در مدت ۶ ماه بر روی منطقه انجام شد، در سال ۱۹۸۷م. در خلیج عقبه، ساحل نویبه (عربستان) آثار بر جای مانده از فرعون و لشکریانش را کشف کردند؛ و با تطبیق متن مقدس به این نتیجه رسیدند که حضرت موسی (ع) از منطقه نزدیک جیزه حرکت کرده و بعد از گذشتن از خلیج سوئز وارد صحرای سینا شده و سپس خود را به نزدیکی خلیج عقبه امروزی رسانده و بعد از گذشتن از آن در "نویبه" ساکن شدند. منطقه کم عمق خلیج عقبه که ۱۸ متر تا ۶۰ متر در امتداد ۲/۵ کیلومتر بود، توجه پژوهشگران را جلب نمود. در طول بستر این منطقه دریایی اجزای ارابه ها و چرخ ها مشاهده شد. ران وایت سه چهار پره چرخ طلائی ارابه ای را

کشف کرد که مرجانها به روی آن نروئیده بودند. هر چند که در داخل آن چرخ چوبی قرار داشته اما آنچنان آن را نرم و شکننده ساخته که نمی‌توان آنرا جابجا کرد.^۱

ران وایت نخستین کسی است که از ساحل نویبه (محل فرود موسی (ع) و اسرائیلیان)، دیدن کرد، وی ستون فلزی فینیقی پیدا کرد که در بستر آب آرمیده بود. متأسفانه نوشته‌های آن فرسوده شده و قابل خواندن نبود. زیرا تا آن سال این ستون مهم شناخته شده نبود. اما دومین ستون گرانتیت در خط ساحلی عربستان در مقابل ستون اولی پیدا شد، کتیبه و نوشته آن هنوز دست نخورده بود. ستونی که یاران حضرت موسی (ع) به دستور او ساختند. (این ستون را امروز با نام یادگار موسی کلیم می‌شناسند)

نوشته‌های فینیقی، (عربی، عبری)، این کلمات را در بردارد: میزرام (مصر)، سلیمان، ادم، مرگ فرعون، موسی و یهود. اشاره دارد به اینکه سلیمان پادشاه این ستون‌ها را به عنوان یادبود معجزه شکافته شدن دریا برپا داشته است. منطقه نویبه در عربستان برای پیروان تمام مذاهب الهی و به خصوص پیروان حضرت موسی (ع) مکان مقدسی می‌باشد. (Wyatt, WebSite)

یافته‌های تحقیقی جاناناتان گری^۲ نظریه‌ی خلیج عقبه را با ارائه ادله و شواهد تقویت نمودند.^۳ برخی ادله و شواهد این نظریه چنین است:

اولاً: مملکت مصر در آن عصر همه شبه جزیره سینا را تحت سلطه داشته و اگر بنی اسرائیل آنجا می‌ماندند، خطر دستگیری آن‌ها را تهدید می‌کرد، پس باید از کل شبه جزیره عبور می‌کردند تا از خطر حکومت مصری (فراعنه) نجات یابند، پس نظریه‌ی خلیج سوئز مورد تردید است. (Gray, 2001, p. 45)

۱. به پیوست شماره ۴ و ۵ مراجعه کنید.

۲. جاناناتان گری پژوهشگری است با پیشینه‌ی مطالعاتی در زمینه باستان شناسی کتاب مقدس. وی ابتدا به عنوان یک باستان شناس مبتدی آمریکایی تحقیقات خود را با گروه مطالعاتی ران وایت آغاز نمود و پس از آن، خود تکیه‌گاه ران وایت در گروه شد. از تألیفات فراوان وی زندگی حضرت نوح و ... می‌باشد. (www.ensignmessage.com, 2001, vol.III, no.2).

۳. به پیوست شماره ۶ مراجعه کنید.

ثانیاً: مسیری که کتاب مقدس ترسیم کرده آن‌ها را بین کوه و دریا و دشمن محبوس می‌کند (۶۰۰۰۰۰ مرد به همراه زن و کودک که حداقل ۲ میلیون نفر می‌شدند در این راهپیمایی بودند). این وادی از جهت شمال به سوی ساحل (شنزار) گسترده‌ای روی خلیج عقبه گسترش می‌یافت. لذا بر این ساحل خودشان را محبوس یافتند. سپاه فرعون به آن‌ها حمله کرد و تنها وسیله فرار رفتن به جنوب بود؛ اما کوه‌های جنوبی در امتداد دریا قرار داشت و هیچ راه فراری باقی نمی‌گذاشت. بادی قوی از شرق بر دریا وزیدن گرفت و آن را به دو دیوار تقسیم کرد. عبریان، میان این دو دیوار اقدام به پیمودن مسیر کردند تا به کرانه مخالف دریا رسیدند).

ثالثاً: قسمت‌های مختلف ارابه هرگز در هیچ جای دریای سرخ پیدا نشدند، بجز الآن در این مکان.

رابعاً: در متون مختلف آمده است که بعد عبور از دریای سرخ، به کوه سینا رفتند. اگر چنین است کوه سینای واقعی باید در عربستان سعودی کنونی باشد. گزینه دیگری وجود ندارد و عهد جدید شهادت می‌دهد که کوه سینا در عربستان است. (Gray, 2001, p. 50)

محقق معاصر و سینماپژوه پرآوازه ایران، آقای فرج‌الله سلحشور در سیر مطالعاتی خود در روند تهیه فیلم سریالی تاریخ زندگی حضرت موسی (ع) به یافته‌های ارزشمندی دست یافته است که ذکر آن بی‌مناسبت نمی‌باشد. از جمله نقشه‌های موجود که کوه طور را میان عقبه و سوئز نشان می‌دهد صحت ندارد، بلکه کوه طور در شرق عقبه واقع است. براساس تحقیقات تاریخی و جغرافیایی معتبر قوم حضرت موسی (ع)، پس از رهایی از چنگال فرعونیان و رسیدن به ساحل شرقی عقبه (نویبه عربستان)؛ حدود یازده سال آنجا کنار کوه طور اقامت گزیده و آثاری از خود بر جای نهاده‌اند. آنان بر تپه‌های اطراف، اقامت‌گاه‌های غارمانندی برای خود ساختند که محل موقت زندگانی این قوم بوده است. حدود هفتاد سال بعد، حضرت سلیمان (ع) دو ستون بزرگ حاوی کتیبه‌های باستانی در دو ساحل شرقی و غربی عقبه بنا نهاد که اخیراً یکی از آن‌ها تخریب شده است. دولت عربستان به دستور اسرائیل می‌کوشد آثار باستانی به‌جامانده از قوم حضرت موسی در سواحل خلیج عقبه را از میان بردارد. هم‌اکنون کتیبه‌ها و غارهای اقامتی این قوم را تخریب و سیمان‌سازی

کرده و اطراف این آثار باستانی را سیم خاردار کشیده است. (مذاکره حضوری با آقای فرج‌الله سلحشور)

با مقایسه پیوست‌های ۳ و ۶، می‌توان پی برد که نقشه پیوست ۳ برخلاف واقعیت بوده، تنها نقشه پیوست شماره ۶ درست ترسیم شده است. این نظریه نزدیک به یافته‌های تحقیق چند گروه مطالعاتی آمریکایی و اروپایی از جمله گروه جاناتان گری می‌باشد.

۱-۴. نظریه چشمه‌های موسی در شمال خلیج سوئز دریای سرخ

شوقی ابوخلیل با استناد به یک نقشه جغرافیایی، محل عبور بنی اسرائیل و غرق منفتح فرعون زمان موسی) را شمال خلیج سوئز در چشمه‌های موسی (عیون موسی) یا در دریاچه تلخ می‌داند. لذا گفته است: «كان العبور فی شمال خلیج السویس (عیون موسی)، او فی البحیرات المره، و هنا كان غرق منفتح». (شوقی، ۲۰۰۳م: ۷۷)

ناگفته نماند که این دو مکان در نقشه بسیار نزدیک به هم و در شمال خلیج سوئز (شاخابه‌ی شمال غربی دریای سرخ) واقعند. به نظر می‌رسد این دیدگاه با نظریه‌ی دریای سرخ یکی است. اما به علت طول زیاد دریای سرخ، و اصرار شوقی بر تعیین دقیق مکان غرق، وی به این دیدگاه دست یافته است. می‌توان گفت بعد از نظریه‌ی خلیج عقبه از دقیق‌ترین دیدگاه‌های مطروح است.

عبدالوهاب نجار نیز با دقت و کنکاش سعی دارد مکان دقیق عبور را شناسایی کند. وی عبورگاه را خلیج سوئز (شاخابه‌ی شمال غربی دریای سرخ) می‌داند اما تردید می‌کند که آیا در شمال عیون موسی (چشمه‌های موسی) بوده یا در برکه فرعون؟ برکه فرعون در خلیج سوئز واقع شده و از کانال سوئز فاصله دارد. این مکان در عصر حاضر، نزد دریانوردان دریای سرخ، به برکه‌ی فرعون معروف است. (نک: نجار، ۱۴۲۶ق: ۲۳۲)

۱-۵. نظریه دریاچه منزله

عهد عتیق گفته است: «موسی قوم خود را از رامسس به سمت سکوت و از آنجا به بعل صفوان و سپس به قادش برد» (خروج: باب ۱۴، ۲)، از آنجا که شهر سکوت در شمال سوئز

و در جنوب مدیترانه (نزدیک دریاچه منزله) دانسته‌اند، این دریاچه نیز یکی از احتمالاتی است که مفسران عهد عتیق بدان اشاره کرده‌اند. طبق این نظریه دریاچه منزله عبورگاه قوم حضرت موسی (ع) و محل غرق فرعون است. چون این دریاچه تقریباً به دریای مدیترانه وصل است و در مرداب‌های اطراف آن نیزارهای پراکنده‌ای مشاهده شده، برخی به این دیدگاه گرویده‌اند. (Moshe, V. 6, PP. 612-620)

برخی دیگر، این نظریه را عقیده‌ی اکثر محققان دانسته، و در تعیین دقیق‌تر عبورگاه بنی‌اسرائیل افزوده‌اند: عبور، از یکی از مرداب‌های ساحل جنوبی مدیترانه بوده که در تنگه‌ای بین مدیترانه و دریاچه منزله واقع است. (Michel, V.17, P.160)

به نظر می‌رسد این سخن از دقت لازم برخوردار نباشد چون سفر خروج، دریای غرق فرعون را دریای سرخ یاد کرده است؛ و دریاچه منزله به دریای سرخ ارتباط ندارد.

۱-۶. نظریه رود نیل و ادله آن

موسی بنی اسرائیل را به فرمان خدا از "بحر" یا "یم" عبور دارد. سخن در این است که منظور از "بحر" و "یم" در اینجا چیست؟ آیا اشاره به رود پهناور و عظیم نیل است که تمام آبادی سرزمین مصر از آن سرچشمه می‌گرفته، یا اشاره به دریای احمر (و به تعبیر دیگر بحر قلزم) است؟ عده‌ی کمی از محققان آن را رود نیل دانسته و نظر خود را با دلیل‌هایی مستند کرده‌اند. اینجا به طرح و بررسی این ادله پرداخته‌ایم.

۱-۶-۱. دلیل اول؛ سکونت فراعنه در غرب نیل

محل سکونت فراعنه که مرکز آباد شهرهای مصر بوده، حتماً نقطه‌ای بوده است که با رود نیل فاصله زیادی نداشته، و اگر معیار را محل فعلی اهرام یا حوالی آن بگیریم، بنی اسرائیل ناچار بودند برای رسیدن به سرزمین مقدس نخست از نیل عبور کنند، زیرا این منطقه در غرب نیل واقع شده و برای رسیدن به سرزمین مقدس باید آنها به سوی شرق بروند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۸)

نقد و تحلیل: این دلیل بر دو مقدمه استوار است: یکی سکونت فراعنه در حاشیه غربی رود نیل، و دیگری معیار سکونت را محل فعلی اهرام قرار دادن. در نقد دو مقدمه فوق باید گفت نه می‌توان اطمینان یافت فراعنه عصر موسی در غرب نیل زندگی کردند؛ و نه معیار وجود اهرام در غرب نیل منطقی به نظر می‌رسد. شواهدی در دست است که خلاف این دو مقدمه را ثابت می‌کند.

ابراهیم عاملی از تفسیر سید احمد خان هندی ترجمه‌ی فخر داعی چنین نقل می‌کند: «وقتی که بنی اسرائیل در مصر اقامت داشتند فرعون پادشاه آنجا پایتختش شهر رامسیس بود که طرف چپ آن به فاصله‌ی کم رود نیل واقع شده و طرف راست یعنی جانب مشرق به فاصله‌ی سه منزل شعبه‌ی بزرگ بحر احمر بوده است. موسی بنی اسرائیل را از شهر رامسیس حرکت داده و در کنار شعبه‌ی بزرگ چپ بحر احمر یعنی جانب غرب و نقطه‌ی آخر شعبه‌ی مزبور فرود آمدند و چون فرعون با لشکریان بنی اسرائیل را تعقیب کرد موسی از میان نقطه‌ی مزبور یعنی نوک شعبه‌ی بزرگ بحر احمر عبور نموده به آن طرف رفته بود». (عاملی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۸۵)

ظاهراً مراد ایشان از شعبه‌ی بزرگ بحر احمر، همان شاخابه‌ی خلیج سوئز است که از شاخابه خلیج عقبه طویل‌تر است. جهت بررسی تفصیلی این دلیل، به مبحث "نظریه دریای سرخ و ادله آن"، مراجعه گردد. آنجا دلیل سوم (سکونت مصریان بر حاشیه‌ی شرقی رود نیل)؛ با قرائن و شواهد علمی و تاریخی تبیین شده است.

۱-۶-۲. دلیل دوم؛ رسیدن به دریا هنگام شروق (طلوع) آفتاب

برخی محققان، از واژه «مُشْرِقِينَ» در آیه ۶۰ سوره مبارکه شعراء «فَأَتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ» به این نتیجه رسیده‌اند که فرعونیان بامداد به هنگام طلوع آفتاب به بنی اسرائیل رسیدند. و از آنجا که قوم موسی شب هنگام به این سفر عازم شدند: «فَأَسْرِبْهُ لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ» (دخان: ۲۳)؛ به موسی دستور داده شد: بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می‌شوید، لذا فرصتی نبوده که خود را به دریای سرخ رسانده باشند. چون فاصله مناطق آباد مصر که طبعاً در نزدیکی نیل است با دریای احمر به قدری است که بسیار بعید به نظر می‌رسد بنی

اسرائیل بتوانند آن را در یک شب و یا نیمی از شب طی کنند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۸)

نقد و تحلیل: این دلیل بر دو مقدمه استوار است: یکی اینکه عبارت «فَأَتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ» بدین معنا باشد که فرعونیان هنگام طلوع به قوم حضرت موسی رسیدند؛ دیگر اینکه در هنگام فرار قوم موسی برای رسیدن به ساحل دریا، تنها یک شب، در راه بودند. و چون این دو مقدمه قابل خدشه است، پس دلیل دوم نیز در خور تأمل است. با بررسی مفهوم شناسی «مُشْرِقِينَ» مقدمه اول در بوته تردید قرار می گیرد. نگاهی به واژه‌های این آیات ضرورتی اجتناب ناپذیر است:

«فَأَتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ . فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ . قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ . فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ . وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ . وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ . ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ» (شعراء: ۶۰-۶۶): آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آن‌ها رسیدند. هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!». (موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگام با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!». و به دنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! و در آنجا دیگران [لشکر فرعون] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم! و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم! سپس دیگران را غرق کردیم!

واژه «مُشْرِقِينَ» از نظر لغت‌شناسان چند معنا دارد:

۱- انجام کاری در وقت شروق (یعنی طلوع آفتاب)، پس «فَأَتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ» یعنی (هنگام طلوع رسیدند). مانند أصبح (داخل وقت صبح شد) و أمسى (داخل وقت مساء شد). (نک: ابن منظور، بی تا: ج ۱۰، ۱۷۳)

۲- اینکه به سمت شرق روانه شدند و حرکت کردند. مانند أغرق، یعنی به سمت عراق حرکت کرد. (نک: آلوسی ۱۴۱۵: ج ۱۰، ۸۳) برخی لغت‌شناسان این معنا را به باب تفعیل

نسبت داده‌اند، یعنی تشریق را به معنای به سوی شرق رفتن دانسته‌اند. مثلاً شَرِّقَ به معنای "به سمت شرق روانه شد" آمده است (نک: ابن منظور، بی تا: ج ۱، ۱۷۳)

۳- أَشْرَقَتْ یعنی أضاءت (درخشید). (نک: راغب اصفهانی، بی تا: ص ۴۵۱؛ ابن منظور، بی تا: ج ۱، ۱۷۳)

بنابراین "فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ" یعنی: بنی اسرائیل در پرتو نور و روشنایی، اما فرعونیان در هاله‌ای از مه و تاریکی بودند تا قوم موسی از دریا گذشتند. (نک: آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۸۳) که در این صورت، مشرقین از لحاظ اعراب، حال از مفعول خواهد بود. (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۱۶۰) اما این معنی نمی‌تواند در این آیه درست باشد چون آیه فرموده است: "لَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ" (شعراء: ۶۱)؛ یعنی وقتی به هم نزدیک شدند و یکدیگر را دیدند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۱۶۰)

۴- اینکه از حیث قدرت درخشش داشتند. مثلاً: "فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ" (حجر: ۷۳) یعنی در حالی که از شدت اقتدار و اختیار در امور مادی درخشان بودند، عذاب صیحه آن‌ها را فراگرفت، و با وجود قدرت نتوانستند از خود دفاع کنند. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۶، ۴۶) اگرچه این معنی از معانی مجازی یا از وجوه کاربردی به نظر می‌رسد.

تحلیل و بررسی: شاید بهتر باشد در جمع بندی گفته شود که واژه «مُشْرِقِينَ» فقط دو بار در آیات قرآن آمده، یکبار در داستان قوم حضرت لوط (ع) به کار رفته: «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ» (حجر: ۷۳) که به نظر می‌رسد معنای "هنگام طلوع" را دارد؛ و یک بار در نقل داستان بنی اسرائیل: «فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ» (شعراء: ۶۰)، که معنای "حرکت به سوی شرق" می‌دهد. هر چند معنای طلوع را هم بر می‌تابد.

و همچنین به نظر می‌رسد اگر هم معنای اول را که اکثر مفسران از «مُشْرِقِينَ» فهمیده‌اند، مفروض بگیریم، باز هم نظریه نیل ثابت نیست، چون مقدمه دوم نیز مخدوش است. توضیح آنکه ممکن است این فاصله بیش از یک روز بوده و منافات ندارد با اینکه شب هنگام، مسیر خروج از مصر را شروع کرده، و هنگام طلوع به دریا رسیده باشند. چنانکه برخی محققان بر آنند که مسیر خروج از مصر تا رسیدن به دریای سرخ ممکن است بیش از یک شب به طول انجامیده باشد. (ابن عاشور، ۱۳۸۴: ج ۱۹، ۱۴۷)

معجم البلدان، فاصله‌ی دریای قلزم تا شهر ساحلی قلزم را ۴ روز؛ و فاصله این شهر تا مصر را ۳ روز گزارش کرده، (حموی، ۱۹۶۵م: ج ۴، ۳۸۷) و ظاهراً مراد از محاسبه بر مبنای واحد طولی روز در اینجا احتساب سرعت حرکت کاروان‌ها در زمان‌های گذشته است. بنا بر گزارش معجم البلدان، حدود ۷ روز طول می‌کشیده تا یک کاروان از مصر به دریای سرخ برسد، و از آنجا که کاروان قوم موسی کاروان پرجمعیتی (ششصد هزار نفر) (سفر خروج؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۲۲۴۹) متشکل از یک طبقه اجتماعی کشور بزرگی مانند مصر همراه با خردسالان و سالخوردگان و اثاثیه و وسایل ضروری زندگی و توشه‌ی راه (که طبق نقل تواریخ حتی چهارپایانشان همراهشان بودند)؛ می‌توان حدس زد که مسیر مصر تا بحر احمر را حتی بیش از ۷ روز رفته باشند. پس به این مقدمه که آن‌ها یک شب تا صبح در راه دریا بوده‌اند، و در نتیجه به قضیه‌ی مبتنی بر آن (که حتماً باید آن دریا نیل باشد)، خدشه وارد می‌شود.

۱-۶-۳. دلیل سوم: خشک بودن بین قلزم و مدیترانه در آن زمان قبل از

حفر کانال سوئز

برای گذشتن از سرزمین مصر و رسیدن به اراضی مقدس نیازی نیست که از دریای احمر بگذرند، چرا که قبل از حفر کانال سوئز باریکه خشک قابل ملاحظه‌ای در آنجا وجود داشته است، مگر اینکه دست به دامن این فرضیه بزنیم که در زمان‌های بسیار قدیم دریای احمر با دریای مدیترانه متصل بوده و در اینجا خشکی وجود نداشته است و این فرضیه به هیچ وجه ثابت نیست. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۸)

نقد و تحلیل: قطعاً آنها نمی‌خواستند از دریای احمر بگذرند. چون آن جمعیت کثیر به قصد شنا یا به قصد کشتیرانی از منزل خود بیرون نیامده بودند؛ ضمن اینکه ظاهراً هنوز معجزه غرق فرعون و عبور از دریا را کسی پیش‌گویی نکرده بود. بلکه احتمالاً از طریق همان خشکی‌های مفروض می‌خواستند خود را به ارض مقدس برسانند. بنابراین نیازی به فرضیه اتصال این دو دریا نیست.

به علاوه با توجه به طول بسیار زیاد دریای سرخ (۶۸۲۵ کیلومتر) (منشی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۰) در صورت خشک بودن فاصله میان دو دریای سرخ و مدیترانه، باز هم به علت طولانی بودن ساحل، و تعقیب شدید فرعونیان، و شتاب قوم موسی برای رهایی؛ نمی‌توان اطمینان داشت که آن‌ها فرصت رساندن خویش به آن خشکی فرضی را داشته‌اند. به‌علاوه اگر خود را به آن خشکی می‌رساندند، باز هم از چنگال دشمن سوگند خورده امان نمی‌یافتند. و به‌نظر می‌رسد تنها راه رهایی از فرعون، ورود بنی‌اسرائیل به دریا و تحقق معجزه آلهی بوده است.

نتیجه آنکه اگر ما با خشک بودن این فاصله مکانی در آن برهه زمانی موافق باشیم، باز هم نمی‌توان فرض کرد که این امر، دلیل بر عبور از نیل باشد. بلکه نظریه دریای سرخ قوی‌تر می‌شود. چون وجود این خشکی انگیزه‌ای می‌شود برای اینکه آن قوم گریخته از فرعون، خود را به آن برسانند تا از طریق آن، به ارض مقدس (فلسطین) برسند، اما از قضا دشمن را پشت سر خود می‌یابند و اینک که به ساحل دریای سرخ رسیده‌اند، به‌طوری عادی و طبیعی خود را در چنگال او محبوس می‌انگارند؛ تا اینکه به‌جای عبور عادی از آن خشکی مورد نظر، طبق فرمان خداوند به حضرت موسی، مبنی بر زدن عصا به دریا، معجزه‌ی خارق‌العاده‌ی عبور از دریا رخ می‌نماید.

ضمناً عبدالوهاب نجار با استناد به اطلس قدیمی و تاریخی استاد محمد رفعت، اتصال خلیج سوئز به دریاچه تلخ (البحیره المرّه)، در زمان‌های پیشین را نتیجه می‌گیرد. (نک: نجار، ۱۴۲۶ق: ۲۳۵) و این برخلاف اطلس‌های امروز است که جدایی و انفکاک دریاچه تلخ از خلیج سوئز (دریای سرخ) در حال حاضر را نشان می‌دهد. بنابراین فرضیه‌ی اتصال دریای احمر با دریای مدیترانه در زمان گذشته نیز محال نیست.

۱-۶-۴. دلیل چهارم: معنای بحر و یمّ در لغت

واژه "بحر" در اصل به معنی آب فراوان و وسیع بوده، در لغت، هم بر آب شور، و هم بر آب شیرین بحر اطلاق می‌شود. "یم" نیز همین معنی را می‌رساند، بنابراین اطلاق این دو کلمه بر "نیل" هیچ مانعی ندارد. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۲۳۳)

قرآن نیز در داستان افکندن موسی به آب تعبیر به "یم" کرده است (طه: ۳۹) و در مورد غرق فرعونیان نیز تعبیر به "یم" کرده است و با توجه به اینکه هر دو در یک داستان، و حتی در یک سوره (طه) است، و هر دو به طور مطلق نقل شده به نظر می‌رسد که هر دو یکی باشد. و با توجه به اینکه مادر موسی قطعاً او را به دریا نیفکند بلکه طبق تواریخ و همچنین قرائن عادی به نیل سپرد؛ بنا بر این معلوم می‌شود غرق فرعونیان در نیل بوده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۲۴۹)

المنار نیز یم را به هر دو معنا (دریا و رود) می‌داند. (نک: رشید رضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۸۲) لذا در این نظریه به این سخن المنار استناد کرده و گفته‌اند: «به طوری که از متون لغت و کتب احادیث استفاده می‌شود "یم" به معنی دریا است و بر رودخانه‌های عظیم همانند نیل نیز اطلاق می‌شود، اما در اینکه "یم" یک لغت عربی است یا سریانی یا هیروگلیفی، در میان دانشمندان گفتگو است»

نویسنده المنار از یکی از دانشمندان معروف مصری که وجوه اشتراک لغات هیروگلیفی و عربی را جمع‌آوری کرده و کتاب معجم الکبیر را در این زمینه تالیف نموده، نقل می‌کند که او پس از تحقیق، لغت "یم" را در زبان قدیم مصر، به معنی دریا پیدا کرده است. پس چون این جریان مربوط به مصر بوده قرآن از لغات آن‌ها در بیان این حادثه استفاده کرده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۶، ۳۲۷)

نقد و تحلیل: اگرچه اغلب لغت شناسان یم را به معنای آب کثیر و عمیق، با هردو مورد شور و شیرین (دریا و رود) می‌دانند (نک: ابن منظور، بی تا، ج ۱۲، ۶۴۸ و ج ۴، ۴۱؛ و مصطفوی، ۱۳۸۰ش: ج ۱۴، ۲۶۷؛ و ...) و حتی برای استعمال یم در رود به اشعار عرب استناد جسته‌اند (نک: ابن منظور، بی تا: ج ۴، ۴۲)؛ اما به نظر می‌رسد کاربرد یم و بحر در مفهوم رود، نیاز به قرینه داشته باشد؛ بر خلاف کاربرد این دو واژه در مفهوم دریا. چنانکه ابن منظور درباره کاربرد بحر می‌گوید: "قد غلب علی المِلْح حتی قَلَّ فی العَذْبِ" (ابن منظور، بی تا: ج ۴، ۴۱) از این سخن برمی‌آید که بحر در معنای دریا غالب است و نیاز به قرینه جهت استعمال بحر در معنای دریا از نظر پوشیده نیست، و حال آنکه هیچ قرینه‌ی قابل قبولی در آیات یافت نمی‌شود.

از این گذشته استدلال این نظریه مبنی بر استعمالیم در یک سوره به هردو معنا، فقط مشکلیم را حل می‌کند. اما مشکل واژه‌ی بحر و استعمال لغوی غالب آن به معنای دریا، و تکرار آن در آیاتی که از این قبیل: «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تُنظَرُونَ» (بقره: ۵۰)، و یا «وَ جَاوَزْنَا بِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ...» (اعراف: ۱۳۸) همچنان به قوه‌ی خود باقی است. به ویژه آنکه قول دیگری هم وجود دارد که بحر را فقط به آب شور دریا اطلاق می‌نماید.

۱-۶-۵. دلیل پنجم: وسعت زیاد دریای سرخ

یکی از دلیل‌هایی که برخی آن را در تقویت نظریه‌ی رود نیل آورده‌اند، وسعت بیش از حد بحر قلزم (چهار فرسخ) است که باعث شده عبور کاروان پرجمعیت بنی اسرائیل شگفت و غیر ممکن تلقی شود. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۲۳۳) برخی دیگر نیز پیش تر رفته و مساحت زیاد قلزم را کلاً دلیل بر ردّ معجزه‌ی عبور دانسته، و گفته‌اند بر اساس نقشه‌ها گستره‌ی دریای سرخ ۳۰ مایل است که ممکن نیست چنین ارتش بزرگی در چنین زمان کوتاهی از آن بگذرد ... و ادعای عبور از دریا، اشتباهی بزرگ است. (Flavius 1737, (V.2, Book2, Chapter16, PP. 166-170

نقد و تحلیل: یوسیفوس محقق و مورخ یهودی این دلیل را رد کرده و در پاسخ آن گفته است شاهد عینی مورد اعتماد، آقای مانس تونوت^۱ به ما می‌گوید که این دریا برای سفر حدوداً ۵ روزه، در هیچ مکانی بیشتر از ۸-۹ مایل عرض ندارد و بعضی جاها هم طبق نقشه لیزل (که توسط بهترین سیاحان کشیده شده و کپی از دیگران نیست)، ۴-۵ مایل بیشتر نیست.

جمع بندی

مسئله کجایی عبور بنی اسرائیل، مفسران قرآن و عهد عتیق را به چالش افکنده است. لذا مکان‌هایی را احتمال داده‌اند که خلاصه نظریه‌ها حول رود نیل و دریای سرخ می‌چرخد. مهم‌ترین دلایل ترجیح نظریه دریای سرخ بر نظریه رود نیل عبارتند از:

۱- واژه بحر که در داستان قرآنی حضرت موسی (ع) آمده، در وضع حقیقی لغت، به معنای دریاست و اگر مجازاً معنای رود اراده شود، نیاز به قرینه هست.

۲- بر اساس شواهد جغرافیایی و تاریخی، محل سکونت مصریان بر حاشیه شرقی نیل بوده نه غرب آن، و حرکت قوم از شرق نیل به سمت ارض مقدس (فلسطین) مستلزم عبور از دریای سرخ است نه رود نیل.

۳- نمک کشف شده بر جسد مومیایی فرعون حاکی از آثار دریاست، چون رودها نمک ندارند.

نهایت آنکه بر اساس تحقیقات باستان‌شناسان عهد عتیق، عبور گاه بنی اسرائیل در خلیج عقبه (شاخابه شمال شرقی دریای سرخ) بوده است. آن‌ها آثاری همچون چرخ طلایی ارابه فرعون را در ناحیه کم عمق خلیج عقبه در ساحل نوبیه عربستان یافته‌اند.

نظریه رود نیل نیز بر ادله‌ای استوار است که در این مقاله یک به یک مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. مهم‌ترین دلایل آن عبارتند از: وقوع اهرام و در نتیجه سکونت مصریان در غرب نیل، فرصت اندک قوم، وسعت زیاد دریای سرخ، و بی‌اشکال بودن اطلاق واژه‌های بحر و یم بر رود.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی (۱۳۳۰ق)، *جمال الأسبوع*، قم: انتشارات رضی.

- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۳۸۴ق)، **تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید**، القاہرہ: مطبعہ عیسیٰ بابی حلبی، الطبعة الأولى.
- ابن منظور، اندلسی (بی تا)، **لسان العرب**، بیروت: دارصادق.
- احمد بن عبدالحمید یوسف (۱۴۲۰ق)، **مصر فی الكتاب و السنه**، القاہرہ: دار الشروق، الطبعة الأولى.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، **البحر المحيط فی التفسیر**، تحقیق: صدقی محمد جمیل بیروت: دار الفکر.
- بلاغی، سید عبد الحجہ (۱۳۸۶ق)، **حجہ التفاسیر و بلاغ الإکسیر**، قم: انتشارات حکمت.
- بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق)، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.
- بی آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۸۰ش)، **باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جواد علی، علی (۱۹۷۶م)، **المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام**، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثانية.
- الحموی، یاقوت (۱۹۶۵م)، **معجم البلدان**، تهران: بی نا.
- راغب اصفهانی، عبدالحسین (بی تا)، **المفردات فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
- رایشه‌ارت، هانس (۱۳۸۶ش)، **تمدن مصر باستان**، مترجم: فرزانه کریمی، تهران: نشر قدیانی، چاپ سوم.
- رشیدرضا، سیدمحمدبن علی (۱۹۹۰م)، **تفسیر المنار**، آلهیئة المصریة العامة للكتاب.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، **تفسیر شریف لاهیجی**، تحقیق: میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
- شوقی، ابوخلیل (۱۳۸۶ش)، **اطس قرآن**، مترجم: وثوقی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفی علی شاه، حسن بن محمدباقر (۱۳۷۸ش)، **تفسیر صفی**، تهران: انتشارات منوچهری، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، **مصباح المتجدد**، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.

- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش)، **تفسیر عاملی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق، [بی جا]: [بی نا].
- عرفات، محمد مختار (بی تا)، **إعجاز القرآن فی العلوم الجغرافیه**، بیروت: دار اقرء.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق)، **زبدۀ التفاسیر**، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (بی تا)، **البلد الامین**، [بی جا]: [بی نا].
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محیایی درگهانی، طارق (۲۰۰۹م)، **نجات جسد فرعون**، سایت اینترنتی دیدگاه.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ش)، **شبهات و ردود حول القرآن الکریم**، قم: مؤسسه التمهید، الطبعة الأولى.
- خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۳ش)، «جغرافیای قصص قرآن در نگاه پژوهشگران»، **فصلنامه بینات**، شماره سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- منشی زاده، رحمت الله (۱۳۷۸ش)، **جهان اسلام و تحولات ساختاری**، تهران: انتشارات مسعی، چاپ اول.
- مهران، محمد به یومی (۱۳۸۳ش)، **بررسی تاریخی قصص قرآن**، مترجم: راستگو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- نجار، عبدالوهاب (۱۴۲۶ق)، **قصص الأنبياء**، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الثانية.
- هاکس، جیمز (۱۳۷۷ش)، **قاموس کتاب مقدس**، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- Flavius, Josephus, (1737), *Antiquities of the Jews*, William Whinston, Volume 2.
- Gray, Jonathan, (2002), *In Search of Pharaoh's Lost Army (the Red Sea Crossing)*, www.ensignmessage.com, vol.III, no.2.
- Westminster, (1980), *Historical Atlas to the Bible*.
- Holman, (۱۹۹۰), *Bible Atlas*, Biblical Atlas enternet site.
- Humphreys, J. Colin, (2004), *The Miracles of Exeodus*, new edition.
- Ilana, Pardes, (2000), *The Biography of Ancient Israel: National Narratives in the Bible*, University of California Press.

- Michel, Avi-Yonah, & Moshe, Brawer, (...), "Red Sea", *Encyclopedia Judaica*, Volume17.
- Moshe, David Herr, (...), *Encyclopedia Judaica*, Exodus Book of, Volume6.
- Wyatt, Ron, (...), *Golf of Aqaba*, Ron Wyatt's Official WebSite,

پیوست‌ها:



پیوست ۱: مسیر برادران حضرت یوسف در ایام قحطسالی (تصویر ماهواره‌ای)



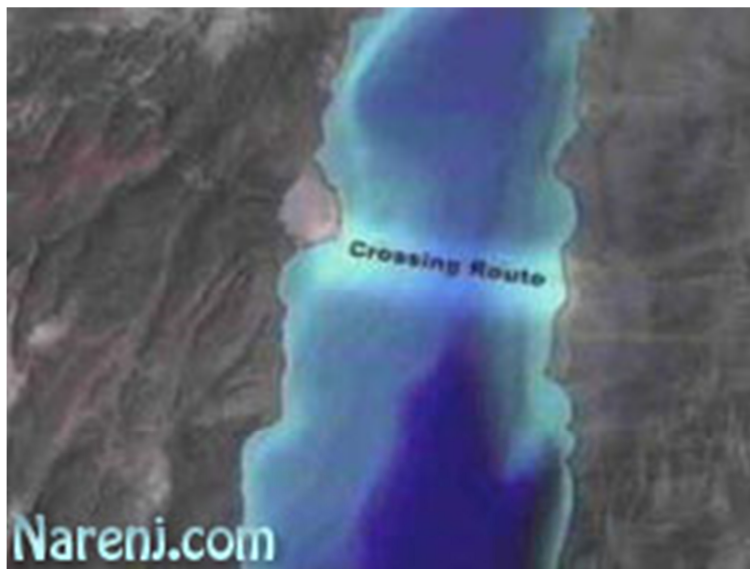
پیوست ۲: مصر باستان



پیوست ۳: مسیر خروج از مصر به فلسطین و عبور از خلیج سوئز (Biblical Atlas)



پیوست ۴: تصویر چرخ طلائی اراهه فرعون در اعماق خلیج عقبه



پیوست ۵: تصویر ماهواره‌ای ناحیه کم عمق خلیج عقبه
(محل احتمالی عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ)



پیوست ۶: مسیر خروج از مصر به فلسطین از منظر "ران وایت" و "جانانان گری" و
ترسیم نظریه غرق فرعون در خلیج عقبه